

شیوه‌نامه حضور در کهکشان معرفت جهانی

1 اینکه اصل بر ادبیات آفندی باشد و کمتر از شیوه پدافندی استفاده شود. ما در سپهر معرفت حضور پیدا نمی‌کنیم که کسی را مغلوب کنیم. باید در جهان معاصر، بیشتر برای حل مسئله کوشید. اگر چه علوم انسانی در بسیاری از مختصات ارزشی و مکتبی، بوسیله ارزش‌های لیبرالی، سحر شده‌اند اما باطل کردن این سحر شوم، با جستارهای جدلی و دفاع‌گرایانه، گاه چندان کارساز نیست. باید به فرآیند حل مسائل و ارائه توصیه‌های کارساز برای پیشبرد زندگی و معنابخشی به آن و درک عالم و آدم پرداخت. باید بخشی از راه‌حل‌ها بود و نه علوم امروز را از زیر پای عالمان و مصرف‌کنندگان علوم کشید. اگر چه برخورد پدافندی و متکلمانه و نشان دادن خطاهایی که در علوم انسانی موجود، وجود دارد، نیز بخش بزرگی از مأموریت دیالوگی همه حاضران هست، اما ممکن است روحیه پدافندی، ما را از فراگرفتن و رندی آموختن دور کند. روحیه پدافندی و کلامی، البته این خوبی را دارد که از پیش، ما را از برخی سر خوردن‌ها ایمن می‌کند؛ اما غلبه آن را در گفتگوی سپهری نباید توصیه کرد. این طور پدافند هم توفیق‌مندتر خواهد شد (دقت کنید) اینکه هر دیدگاه را از پنجره «نظریه توطئه» ببینیم، نشان هوشمندی نیست. اتفاقاً سخی کم‌خردی است که اتفاقاً به موفقیت دشمن در مدیریت ما منجر می‌شود. تعامل گفتگویی ناب خود، توطئه‌ها را خنثی می‌کند. اما باید هوشمندانه توطئه‌ها و مدیریت کردن‌های علم را توسط شیاطین، زیر نظر گرفت؛ اما نباید با غیرت و رگ برآمده در کهکشان علم حضور یافت. این

یک خبط و خطا است که به پیروزی خصم می‌انجامد.

2 فرصت‌سوزی ممنوع! نباید در دیالوگ با جهان و حضور در مجامع علمی جهان، دچار تعلل و فرصت‌سوزی شویم. فرصت‌ها مغتنم‌اند. استخاره‌های طولانی در تعامل با دنیای جدید، باعث می‌شود که ما نتوانیم زودتر توانمندی این دیالوگ و تأثیرگذاری را پیدا کنیم. مهارت حضور در کهنشان علوم، مانند مهارت شناکردن و رانندگی است. با تصوّر روش‌های شنا و رانندگی یا خواندن کتاب راهنما، نمی‌توان شنا و رانندگی یاد گرفت. آری آمادگی‌های اولیه، ضرورت دارد؛ اما وقت‌کشی و ترسیدن بی‌فایده است. جهانِ علمی عالمان دین، نباید در حوزه اندیشه‌های خود دچار تکرار و حدیث‌نفس شود. علم، یک پدیده جمعی است و خداوند بیشتر آن را به کسانی می‌دهد که بیشتر می‌کوشند و می‌کاوند. اساساً گفتگو، یک تقدیر الهی برای فهم بهتر بین ابناء آدم است. ما در ارتباط با جهانیان هیچ چاره‌ای جر دیالوگ و گفتگو و مباحثه نداریم. افراد گفتگوگریز و اگر به ظاهر متواضع و خوش‌سیما باشند، اما به‌باطن طواغیتی هستند که فرعون‌ی را درون و خفا پادشاه کرده‌اند و بزودی گرگ‌ها را روانه جامعه می‌کنند. اگر میان سیاست‌مداران، جنگ است و اگر ملت‌ها بواسطه تعصبات (ناعلم‌ها) منازعه می‌کنند، باید بجز از راه‌های دیپلماتیک و تدبیر در ارتباطات سیاسی و نظامی (صنایع دفاعی بسیار قوی) گفتگوی نخبگانی و فرهنگی مجال موسعی داشته باشد.

3 حضور در سپهر معرفت، زمینه بسیار خوبی برای آموختن خلاقانه و رندانه است: آموختن برای تکمیل و فربه‌سازی علوم انسانی اسلامی. تکمیل یک علم اسلامی، یعنی تعیین تکلیف سازه‌های معرفتی موجود در

سپهر معرفت بشری با محک تعالیم انبیاء. همه معرفت‌هایی که در سپهر معرفت در باب عالم و آدم سخنی در کام دارند، باید از راه معرفت فرآوری شده از محک‌های معرفتی دین، با شیوه استدلالی تعیین تکلیف شوند. این فرآیند، وقت‌گیر و خلاقیت‌خواه است. این فرایند اجتناب از پیش داوری؛ روشمندی و اما سرعت و شتاب را هم لازم دارد. چاره‌ای نیست، گاهی باید سرعت و دقت را با هم آشتی داد.

4 روحیه تواضع و ادب معرفتی، از دیگر شیوه‌های حضور در کیهان معرفت است. اصل ادب (اصط. رجا) یک اصل بسیار مهم است. در تعامل، ما نه فقط می‌آموزیم و ندانستن‌های خود را کم می‌کنیم، بلکه دیگران از حضور ما بهره‌مند می‌شوند. نباید گمان کنیم که ما ناوبران علوم جهان هستیم. هر قدر متواضع‌تر باشیم زودتر اوج می‌گیریم. استراتژی تواضع، بهتر از استراتژی ناوبری و خودبرتربینی است. اگر چه نباید واداده بود. باید شنونده عاقلی بود و نه گوینده‌ای پرمدها. باید حق گفت اما همیشه نباید حق بجانب بود. مؤمن باید رند باشد و بتواند در معرفت را از سینه منافق بریاید.

معرفت، خود، معرفت‌آفرین است؛ به شرط این که راز آن را بدانیم. علوم به هم و در هم می‌تابند و به یکپارچگی می‌رسد. معرفت دینی (آنچه از « تعامل علم ساختی » با « معرفت دین » و علوم دیگر فراگرد می‌آید) و غیر آن (به معنای آنچه بجز از راه متن وحیانی فراهم آمده) در شکل هنجاری خود، یکپارچه‌اند (معرفت دینی و علمی یکپارچه‌اند) هر آنچه با محک‌های دین، سازگار نیست، علم نیست.

در تلگرام بخوانید.